

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۰ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۲ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۴

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثالث: مسح الرأس - جواز نکس

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و علی هذا فلو أراد إدراك الأفضل ينبغي أن يضع ثلاث أصابع علی الناصية و يمسح بمقدار إصبع من الأعلى إلى الأسفل و إن كان لا يجب كونه كذلك، فيجزى النكس و إن كان الأحوط خلافه»^۱.
به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص اراده کرده است که أفضل را درک کند، شایسته است که سه انگشت را بر ناصیه بگذارد و به مقدار یک انگشت از بالا به پایین بکشد؛ هرچند که واجب نیست که از بالا به پایین بکشد، پس عکس آن نیز کفایت می‌کند، هرچند که احتیاط [مستحب] خلاف آن است [، یعنی از بالا به پایین مسح کشیده شود].

ادله جواز نکس

اولاً: جواز نکس بین متأخرین شهرت دارد و شاید عده‌ای بر جواز نکس ادعای اجماع کرده باشند؛

ثانیاً: اطلاق آیه شریفه «...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲ بر جواز نکس دلالت دارد، یعنی این آیه بر اصل مسح کردن دلالت دارد، ولی لزوم از بالا به پایین بودن مسح از این آیه استفاده نمی‌شود بنابراین، مسح از پایین به بالا نیز کفایت می‌کند.
ثالثاً: روایاتی که در باب کیفیت وضو آمده‌اند که در جلسات گذشته به آنها اشاره شد بر جواز نکس دلالت دارند و دلیل آن نیز آسہلیت است.

دو روایت وجود دارند که در آنها آمده است که شخصی که عمامه به سر دارد در هنگام مسح کردن عمامه را بلند کند و انگشتش را زیر عمامه داخل کند و مسح کند:

روایت اول: عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ وَ عَلَيْهِ الْعِمَامَةُ؛ قَالَ: «يَرْفَعُ الْعِمَامَةَ بِقَدْرِ مَا يُدْخِلُ إصْبَعَهُ فَيَمْسَحُ عَلَى مُقَدِّمِ رَأْسِهِ»^۳.

روایت دوم: عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحُسَيْنِ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): رَجُلٌ تَوَضَّأَ وَ هُوَ مُعْتَمٌ فَتَقَلَّ عَلَيْهِ نَزْعُ الْعِمَامَةِ لِمَكَانِ الْبَرْدِ؛ فَقَالَ: «لِيُدْخِلَ إصْبَعَهُ»^۴.

در استدلال به دو روایت مذکور، گفته‌اند که وقتی که شخص عمامه بر سر دارد اگر بخواهد از بالا به پایین مسح بکشد باید عمامه خود را به طور کامل بردارد یا آن را به مقداری بلند کند که بتواند از بالا به پایین مسح کند، ولی اگر از پایین به بالا مسح بکشد، نیاز نیست که عمامه به مقدار زیاد بردارد، بلکه به اندازه‌ای که انگشت او زیر عمامه برود، کفایت می‌کند بنابراین، جواز مسح از

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. «المائدة»: ۶.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۴، ص ۴۱۶، ح ۱.

۴. همان، ح ۲.

پایین به بالا از باب اُسْهَلِیت است چون لازمه مسح از بالا به پایین این است که عمامه بیش از آن مقداری که برای مسح به صورت نَکَس لازم است، برداشته شود، باید برداشته شود و این با اُسْهَلِیت سازگار نیست، بنابراین، از باب اُسْهَلِیت، به جواز نَکَس حکم می شود.

اشکالات وارد بر نَکَس

اشکال اول

مقدار متیقن از مسح مأمور به عبارت از مسح از بالا به پایین است و عکس آن، مشکوک الجواز است و طبق قاعده اشتغال «الإشتغال یقینی یستدعی البرائة یقینیة»، قطعاً ذمه شخص نسبت به مسح مشغول به تکلیف شده است و شخص نمی داند که اگر مسح خود را به صورت نَکَس [از پایین به بالا] انجام بدهد، برای او برائت ذمه حاصل خواهد شد یا برائت ذمه حاصل نخواهد شد لذا برای حصول برائت ذمه باید از بالا به پایین مسح کند تا به برائت ذمه یقین پیدا کند.

پاسخ از اشکال اول

رجوع به اصل عملی در صورتی است که عمومات و اطلاقات وجود نداشته باشند و تا زمانی که ادله لفظیه [اطلاقات و عمومات] وجود داشته باشند نوبت به تمسک به اصول عملیه نمی رسد و در مانحن فیه با وجود اطلاق آیه شریفه «...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...» نوبت به رجوع به قاعده اشتغال و اصل عملی احتیاط نمی رسد. بنابراین، با وجود اطلاق آیه مذکور که بین مسح از بالا به پایین و مسح از پایین به بالا فرق نگذاشته است، وجهی ندارد که به اصل عملی احتیاط تمسک شود.

اشکال دوم

متعارف از مسح سر، مسح از بالا به پایین است و این متعارف، موجب انصراف مطلقات به مسح از بالا به پایین می شود در نتیجه، آیه شریفه «...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...» به مسح از بالا به پایین منصرف است.

پاسخ از اشکال دوم

اشکال دوم هم مشکل صغروی دارد و هم مشکل کبروی دارد زیرا درست است که به حسب صغری، متعارف در غسل صورت و دست ها [؛ هرچند برای غیر وضو باشد]، غسل از بالا به پایین است، لکن در مسح این گونه نیست که حتماً مسح از بالا به پایین باشد، بلکه مسح از پایین به بالا نیز متعارف است.

اما بر فرض اینکه صغری مسأله درست باشد، یعنی مسح از بالا به پایین متعارف باشد و مسح از بالا به پایین غلبه داشته باشد، مشکل این است که متعارف بودن و غلبه داشتن یک فرد، دلیل بر انصراف نیست بنابراین، انصراف ادعا شده صرفاً یک انصراف بدوی است که با کمترین تأملی از بین می رود. بنابراین، مطلقاتی که در مانحن فیه وجود دارند، هم فرد متعارف [مسح از بالا به پایین] و هم فرد غیر متعارف [مسح از پایین به بالا] را شامل می شوند.

به علاوه روایت صحیح ذیل، بر جواز مسح به صورت نَکَس، تصریح دارد:

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِمَسْحِ الْوُضُوءِ مُقْبِلًا وَ مُدْبِرًا»^۱.

روایت مذکور، بر جواز نَکَس دلالت دارد بدون اینکه بین مسح سر و مسح غیر سر فرق بگذارد لذا جواز نَکَس در مسح پا را نیز شامل می شود.

۱. همان، باب ۲۰، ص ۴۰۶، ح ۱.

تنها اشکالی که در رابطه با روایت مذکور، وجود دارد این است که گفته‌اند که روایت دیگری با همین سند روایت مذکور، از حماد بن عثمان نقل شده است که آن روایت می‌تواند با این روایتی که ذکر شد منافات داشته باشد:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِمَسْحِ الْقَدَمَيْنِ مُقْبِلًا وَ مُدْبِرًا»^۱.

گفته‌اند که حکم به کفایت مسح مقبلاً و مدبراً در مسح قدمین، دلیل بر این است که مسح مقبلاً و مدبراً در مسح سر، کافی نیست، بنابراین، گفته‌اند که همین که در این روایت به جواز مسح از بالا به پایین و از پایین به بالا نسبت به دو پا تصریح شده است، دلیل بر این است که نکس در مسح سر، جایز نیست. لذا بین این روایت و روایت قبلی تنافی است، یعنی منظور از روایت قبلی که بر جواز نکس دلالت داشت، نکس در مسح پاهاست بنابراین، نکس در مسح سر جایز نیست.

پاسخ از اشکال مذکور

بین دو روایت مذکور، منافاتی وجود ندارد زیرا

اولاً: لقب مفهوم ندارد؛

ثانیاً: جایز است که حماد بن عثمان از معصوم (ع) دو روایت شنیده باشد که یکی بر جواز مسح از بالا به پایین و از پایین به بالا در مسح وضو دلالت دارد؛ اعم از اینکه مسح سر باشد یا مسح پاها باشد و دیگری بر جواز مسح از بالا به پایین و از پایین به بالا در خصوص مسح پاها دلالت دارد؛

ثالثاً: در چاپ اخیر کتاب وسائل الشیعة، هر دو روایت مذکور از حماد بن عثمان نقل شده است، لکن در غیر چاپ اخیر، روایت اول [جواز نکس مسح در مسح وضو] از حماد بن عیسی نقل شده است بنابراین، طبق چاپ‌هایی که روایت اول را از حماد بن عیسی نقل کرده‌اند، دو روایت مذکور، از یک شخص نخواهد بود تا گفته شود که بین آنها تنافی است، بلکه یکی از حماد بن عثمان و دیگری از حماد بن عیسی است.

بعضی گفته‌اند که مسح از بالا به پایین افضل است، لکن دلیلی بر افضلیت از بالا به پایین بودن مسح وجود ندارد مگر کسی بخواهد احتیاط بکند و احتیاط نیز مستحب دانسته شود و یا کسی ادعا کند که سیره اهل بیت (ع) [اعم از سیره وجوبی یا سیره استحبابی] این گونه بوده است که از بالا به پایین مسح می‌کرده‌اند که در این صورت، مخالفتی با این افضلیت نمی‌شود لکن در فرضی که این افضلیت ثابت نشود، نمی‌توان آن را به معصوم (ع) نسبت داد.

بعضی به کراهت - کراهت گاهی به معنای اقل ثواباً است و گاهی به معنای مرجوحیت است - نکس [مسح از پایین به بالا] در رابطه با مسح سر، قائل شده‌اند.

در پاسخ از کراهت داشتن نکس، عرض می‌شود که اگر منظور از کراهت، این است که مسح از پایین به بالا ثواب کمتری دارد، پذیرفته است، لکن اگر منظور از کراهت داشتن نکس، مرجوح بودن آن است، پذیرفته نیست چون دلیلی بر مرجوحیت نکس نیست.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و لا يجب كونه على البشرة، فيجوز أن يمسح على الشعر النابت في المقدم بشرط أن لا يتجاوز بمده عن حد الرأس، فلا يجوز المسح على المقدار المتجاوز و إن كان مجتمعاً في الناصية و كذا لا يجوز على النابت في غير المقدم و إن كان واقعاً على المقدم»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب نیست که مسح بر پوست سر باشد، پس جایز است که بر مویی که جلو سر می‌روید، مسح شود به شرط اینکه هنگام مسح کشیدن از حد سر تجاوز نکند، پس جایز نیست که بر مویی که از حد سر تجاوز کرده است، مسح شود؛ هرچند که [آن موهایی که از حد سر تجاوز کرده‌اند] در ناصیه جمع شده باشند و همچنین، جایز نیست که بر مویی که در غیر جلو سر روییده است مسح شود؛ هرچند که آن موها در جلو سر قرار داده شده باشند [، یعنی جایز نیست که شخص، مویی که مثلاً در پشت سرش روییده است را جلو سرش جمع کند و بر آن مسح کند].

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.